



پزشکیان در «آیین اختتامیه ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور»:

جنگ همیشه راه حل عبور از مشکلات نیست

صفحه ۲

یادداشت - ۱

نرخ ارز و جامعه‌ای که ناگزیر تغییر می‌کند



محمدحسین ادیب

باید دید نوسانات و تحولات نرخ ارز چه تحولاتی در فضای عمومی و اقتصادی کشور ایجاد می‌کند؟ اصولاً انطباق با نوسان‌های فعلی نرخ ارز، تغییراتی اجتماعی و فرهنگی که این نوسانات ایجاد می‌کند ممکن است یک دهه زمان ببرد. پیامدهای این تغییرات نیز معمولاً در یک دولت جمع نمی‌شود. مردم ابتدا مسوولیت نوسانات را متوجه دولت اول می‌دانند، سپس با تداوم فشارها، انگشت اتهام را به سوی دولت بعدی نیز می‌گیرند و حتی ممکن است دولت سوم نیز هزینه همان تکانه اولیه را پرداخت کند. از این منظر، عبور از آثار یک نوسان بزرگ ارزی، فقط مساله تغییر سیاست‌های کوتاه‌مدت نیست، بلکه به زمان، تغییر رفتار و بازارایی تدریجی زندگی اقتصادی جامعه نیاز دارد. در مراحل نخست، افکار عمومی اغلب در وضعیت مقاومت قرار دارد. خانواده‌ها، فعالان اقتصادی، شاغلان بخش‌های مختلف، اتباع خارجی و حتی سازمان‌ها، اغلب تصور می‌کنند اگر مدتی مقاومت کنند، فشارها کاهش می‌یابد و شرایط به نقطه قبیل بازمی‌گردد، اما اقتصاد همیشه مطابق میل و انتظار افراد عمل نمی‌کند. وقتی هزینه‌های زندگی، نرخ ارز و قیمت کالاها تغییر می‌کنند، مردم ناچار می‌شوند الگوهای تازه‌ای برای بقا و حفظ سطح زندگی خود پیدا کنند. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های این انطباق، بازار کار است. در وضعیتی که هزینه‌های خانوار افزایش می‌یابد و درآمد یک نفر پاسخگوی نیازهای خانواده نیست، حضور زنان و دیگر اعضای بالقوه نیروی کار در اقتصاد پررنگ‌تر می‌شود.

در بسیاری از خانواده‌ها، اشتغال دو نفر به تدریج از یک انتخاب به ضرورتی اقتصادی تبدیل می‌شود. این تغییر البته فقط به افزایش عرضه نیروی کار محدود نمی‌ماند، بلکه مناسبات درون خانواده، الگوی مراقبت از کودکان، زمان فراغت و حتی انتظارات اجتماعی از نقش‌های خانوادگی را نیز دگرگون می‌کند. این فرآیند الزاماً به معنای یک نسخه واحد برای همه خانواده‌ها نیست. جامعه در برابر فشارهای اقتصادی، پاسخ‌های متنوعی تولید می‌کند. برخی به دنبال شغل دوم می‌روند، گروهی به کسب و کارهای خدماتی و خردروی می‌آورند، برخی داری‌ها و پس‌اندازهای خود را به کار می‌گیرند و عده‌ای نیز شکل‌های جدیدی از همکاری اقتصادی خانوادگی را تجربه می‌کنند. بخش مهمی از نیروی کار مهاجر در مشاغل فعال است که بخشی از نیروی کار ایرانی، به دلیل سطح دستمزد، سختی کار یا برداشت‌های فرهنگی، تمایل کمتری به ورود به آنها دارد. با این حال، اگر شرایط اقتصادی و فرصت‌های شغلی در کشورهای دیگر برای مهاجران جذاب‌تر شود، امکان تغییر مقصد کاری آنان وجود دارد. چنین تغییری می‌تواند بازار کار ایران را با کمبود نیروی انسانی در برخی حرفه‌ها مواجه کند.

در این وضعیت، فرهنگ کار ناگزیر باید بازنگری شود. مشارغلی که پیش‌تر به ذهن بخشی از جامعه کم اعتبار یا نامطلوب تلقی می‌شدند، نرخ ارز در نقطه‌ای آرام می‌گیرد که بخشی از این تغییرات اجتماعی و رفتاری رخ داده باشد. این سخن به معنای تأیید نوسان ارزی یا مطلوب دانستن فشار بر جامعه نیست، اقتصاد و جامعه از یکدیگر جدا نیستند. نرخ ارز تنها یک عدد روی تابلوی صرافی نیست. این نرخ در نهایت بر هزینه سفره مردم، انتخاب شغل، نحوه پس‌انداز، تصمیم خانواده‌ها برای اشتغال و حتی جغرافیای مهاجرت نیروی کار اثر می‌گذارد.

در چنین فضایی، گسترش بخش خدمات قابل انتظار است. با این همه، خطر اصلی آن است که افراد بدون شناخت نیازهای واقعی بازار و فقط برای گریز از رکود یا کاهش قدرت خرید، به سوی فعالیت‌های تکراری و اشباع‌شده در بازار گنجوه حرکت کنند. بزرگ شدن بی‌ضابطه بخش واسطه‌گری و تجارت غیرمولد، الزاماً به ایجاد ارزش افزوده پایدار منجر نمی‌شود. اگر منابع خانوار به فعالیت‌هایی منتقل شود که ظرفیت واقعی سودآوری ندارند، احتمال از دست رفتن دارایی‌ها افزایش می‌یابد. جامعه باید به سمت مهارت‌آموزی، افزایش بهره‌وری، توسعه خدمات تخصصی، تولید با ارزش افزوده و پذیرش واقعیت‌های جدید بازار کار حرکت کند. در کنار این انطباق اجتماعی، سیاست‌گذار نیز مسوولیت سنگینی دارد: کنترل بی‌ثباتی، کاهش نااطمینانی، حمایت هدفمند از خانوارها و فراهم کردن زمینه فعالیت‌های مولد، شرط آن است که تغییرات ناگزیر اقتصادی به فرسایش اجتماعی تبدیل نشود. جامعه ایران در گذشته نیز بارها نشان داده است که در برابر بحران‌ها، ظرفیت بالایی برای ابتکار و سازگاری دارد. نوسان نرخ ارز، صرفاً یک مساله مالی نیست؛ علامتی از آغاز دگرگونی‌هایی است که دیر یا زود، در بازار کار، خانواده، فرهنگ و انتخاب‌های روزمره مردم خود را نشان خواهد داد.

بازار سهام همچنان سبزیوش است و روزهای خوبی را سپیری می‌کند، این موضوع در حالی است که بازارهای موازی بورس تهران این روزها در حال تجربه نوسان‌های جزئی هستند. شاخص کل بورس در آخرین روز کاری هفته نیز توانست رکوردشکنی کند و وارد محدوده ۶۰۲ میلیونی شد. بازار سهام طی روزهای گذشته با رکوردشکنی‌های پی‌درپی مواجه شده است و هر روز توانسته وارد محدوده‌ای جدید شود. این موضوع در حالی است که همچنان سایه

ریسک‌ها روی بازار سهام وجود دارد و برخی از کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که اگر شرایط چنین پیش‌رو احتمالاً موازی بورس تهران این روزها در حال تجربه نوسان‌های جزئی هستند. شاخص کل بورس در آخرین روز کاری هفته نیز توانست رکوردشکنی کند و وارد محدوده ۶۰۲ میلیونی شد. بازار سهام طی روزهای گذشته با رکوردشکنی‌های پی‌درپی مواجه شده است و هر روز توانسته وارد محدوده‌ای جدید شود. این موضوع در حالی است که همچنان سایه

ریسک‌ها روی بازار سهام وجود دارد و برخی از کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که اگر شرایط چنین پیش‌رو احتمالاً موازی بورس تهران این روزها در حال تجربه نوسان‌های جزئی هستند. شاخص کل بورس در آخرین روز کاری هفته نیز توانست رکوردشکنی کند و وارد محدوده ۶۰۲ میلیونی شد. بازار سهام طی روزهای گذشته با رکوردشکنی‌های پی‌درپی مواجه شده است و هر روز توانسته وارد محدوده‌ای جدید شود. این موضوع در حالی است که همچنان سایه

ریسک‌ها روی بازار سهام وجود دارد و برخی از کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که اگر شرایط چنین پیش‌رو احتمالاً موازی بورس تهران این روزها در حال تجربه نوسان‌های جزئی هستند. شاخص کل بورس در آخرین روز کاری هفته نیز توانست رکوردشکنی کند و وارد محدوده ۶۰۲ میلیونی شد. بازار سهام طی روزهای گذشته با رکوردشکنی‌های پی‌درپی مواجه شده است و هر روز توانسته وارد محدوده‌ای جدید شود. این موضوع در حالی است که همچنان سایه

ریسک‌ها روی بازار سهام وجود دارد و برخی از کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که اگر شرایط چنین پیش‌رو احتمالاً موازی بورس تهران این روزها در حال تجربه نوسان‌های جزئی هستند. شاخص کل بورس در آخرین روز کاری هفته نیز توانست رکوردشکنی کند و وارد محدوده ۶۰۲ میلیونی شد. بازار سهام طی روزهای گذشته با رکوردشکنی‌های پی‌درپی مواجه شده است و هر روز توانسته وارد محدوده‌ای جدید شود. این موضوع در حالی است که همچنان سایه

امریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز در جریان جزئیات تفاهم ایران و عمان قرار گرفته‌اند و نسبت به آن آگاهی دارند

زهراسلیمانی |

تفاهم تازه ایران و عمان درباره ترتیبات تردد دریایی در تنگه هرمز، در شرایطی مورد توجه قرار گرفته که این آبراه راهبردی به یکی از مهم‌ترین گره‌های امنیتی و اقتصادی منطقه تبدیل شده است. کاظم غریب‌آبادی، معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه، از دستیابی دو کشور به درک مشترک درباره مسیر حرکت کشتی‌ها خبر داده و از آن با تعبیر «توبان کشتی‌ها» یاد کرده است. در همین خصوص علی‌اکبر سیبویه، سفیر پیشین ایران در عمان، مدیرکل روابط بین‌الملل دبیرخانه مجمع تشخصی و چهارای که در پایان دوره مسئولیتش در مسقط از سوی سلطان قابوس به پاس تلاش‌هایش در گسترش و پیگیری سطح روابط دوجانبه نشان درجه یک التعمانی عمان به وی اهدا شد در گفت‌وگو با «تعادل» معتقد است بخش بزرگی از جزئیات تفاهم تهران و مسقط نهایی شده، اما اجرای آن را به اجرای کامل تفاهم قبلی میان ایران و امریکا مرتبط می‌داند. او همچنین این توافق را رویدادی مهم در روابط تاریخی دو کشور و زمینه‌ساز ورود مناسبات تهران و مسقط به مرحله‌ای تازه ارزیابی می‌کند.

■ درباره تحولات اخیر در مناسبات ایران و عمان با محوریت تنگه هرمز، ارزیابی شما چیست؟ آقای غریب‌آبادی اعلام کرده‌اند دو طرف درباره حرکت کشتی‌ها و سطح دسترسی به درک مشترکی رسیده‌اند و از مسیر تازه با تعبیر «توبان دو طرفه» نام برده‌اند. این تحول چه معنایی دارد؟ خوشبختانه تلاش‌های مستقل و مشترک ایران و عمان در دوماه گذشته، پس از نشست‌های فشرده و پیگیر، به مرحله قابل توجهی رسیده است. بر اساس اطلاعاتی که مطرح شده، می‌توان گفت نزدیک به ۹۰ درصد تفاهمات درباره آبراه جدیدی که قرار است با همکاری ایران و عمان در تنگه هرمز شکل بگیرد، حل و فصل شده است. آنچه باقی مانده، بیشتر به مسائل حاشیه‌ای، جزئیات اجرایی و تنظیم قیق ساز و کارهای توافق مربوط می‌شود که در دست بررسی است. طبیعی است چنین توافقی، با توجه به جایگاه تنگه هرمز و حساسیت‌های امنیتی، حقوقی و اقتصادی آن، نیازمند تدف فراوان

«تعادل» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

رکورد شکنی‌های پیایی بورس

آخرین روز معاملاتی هفته یعنی چهارشنبه ۴ شهریورماه باغلیه محسوس تقاضا و افزایش صفوف خرید همراه بوده روندی که نه تنها شاخص را دوباره رکوردشکن کرد، بلکه این رشد را می‌توان یک رکورد جدید برای شاخص کل به حساب آورد و نشان می‌دهد که نمادهای بزرگ و اثرگذار بازار همچنان در جذب نقدینگی موفق هستند یا به عبارت دیگر می‌توان گفت که بورس تهران در جذب نقدینگی موفق است...

آخرین روز معاملاتی هفته یعنی چهارشنبه ۴ شهریورماه باغلیه محسوس تقاضا و افزایش صفوف خرید همراه بوده روندی که نه تنها شاخص را دوباره رکوردشکن کرد، بلکه این رشد را می‌توان یک رکورد جدید برای شاخص کل به حساب آورد و نشان می‌دهد که نمادهای بزرگ و اثرگذار بازار همچنان در جذب نقدینگی موفق هستند یا به عبارت دیگر می‌توان گفت که بورس تهران در جذب نقدینگی موفق است...

آخرین روز معاملاتی هفته یعنی چهارشنبه ۴ شهریورماه باغلیه محسوس تقاضا و افزایش صفوف خرید همراه بوده روندی که نه تنها شاخص را دوباره رکوردشکن کرد، بلکه این رشد را می‌توان یک رکورد جدید برای شاخص کل به حساب آورد و نشان می‌دهد که نمادهای بزرگ و اثرگذار بازار همچنان در جذب نقدینگی موفق هستند یا به عبارت دیگر می‌توان گفت که بورس تهران در جذب نقدینگی موفق است...

آخرین روز معاملاتی هفته یعنی چهارشنبه ۴ شهریورماه باغلیه محسوس تقاضا و افزایش صفوف خرید همراه بوده روندی که نه تنها شاخص را دوباره رکوردشکن کرد، بلکه این رشد را می‌توان یک رکورد جدید برای شاخص کل به حساب آورد و نشان می‌دهد که نمادهای بزرگ و اثرگذار بازار همچنان در جذب نقدینگی موفق هستند یا به عبارت دیگر می‌توان گفت که بورس تهران در جذب نقدینگی موفق است...

آخرین روز معاملاتی هفته یعنی چهارشنبه ۴ شهریورماه باغلیه محسوس تقاضا و افزایش صفوف خرید همراه بوده روندی که نه تنها شاخص را دوباره رکوردشکن کرد، بلکه این رشد را می‌توان یک رکورد جدید برای شاخص کل به حساب آورد و نشان می‌دهد که نمادهای بزرگ و اثرگذار بازار همچنان در جذب نقدینگی موفق هستند یا به عبارت دیگر می‌توان گفت که بورس تهران در جذب نقدینگی موفق است...

همه طرف‌ها به مجموعه تعهدات خود عمل کنند. ■ در زمان مذاکرات ایران و عمان، اخبار ضدونقیضی منتشر شد. در حالی که برخی مقام‌های امریکایی از گفت‌وگوهای تهران و مسقط استقبال کردند، دونالد ترامپ نیز در مقاطعی مواضع تند و تهدیدآمیزی گرفت؛ از جمله اینکه اگر توافق با خواسته‌های واشنگتن هماهنگ نباشد، آن را نمی‌پذیرد. این فضا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من، بخشی از این مواضع را باید در چارچوب بین‌المللی، از موضعی حداکثری و با زبان تهدید یادداشت تفاهم پیشین میان ایران و امریکا به میانجیگری پاکستان شکل گرفته بود، به‌طور کامل اجرائی نشود و امریکا به مفاد آن تن ندهد، وارد مرحله میانجیگری پاکستان شکل گرفته بود، به‌طور کامل اجرائی نخواهد شد. بنابراین تفاهم ایران و عمان در جای خود اهمیت زیادی دارد، اما اجرای آن در عمل با تحولات بزرگ‌تر منطقه‌ای و روند اجرای تفاهم‌های پیشین پیوند خورده است.

■ برخی تحلیل‌ها تفاهم ایران و عمان را شاه‌کلید اجرای تفاهم قبلی و ۴ ماده‌ای ایران و امریکا می‌دانند. آیا می‌توان گفت توافق تهران و مسقط، موانع اجرایی تفاهم پیشین را کاهش می‌دهد؟ تفاهم قبلی میان ایران و امریکا، بر اساس آنچه مطرح شده، دارای ۱۴ ماده است و یکی از مهم‌ترین بخش‌های آن به مساله باز شدن تنگه هرمز مربوط می‌شود. از این منظر، طبیعی است که تفاهم ایران و عمان بر سر مسیرهای دریایی، در اجرای بخشی از آن توافق موثر باشد. اما باید تأکید کرد توافق که اکنون میان ایران و عمان در حال نهایی شدن است، ماهیتی دوجانبه دارد و نباید آن را با توافق گسترده‌تر ایران و امریکا یکی دانست. ایران و عمان به عنوان دو کشور ساحلی تنگه هرمز، نقشی تعیین‌کننده در تنظیم ترتیبات دریایی این منطقه دارند. هر توافق پایدار در این حوزه، به همکاری و درک مشترک تهران و مسقط نیازمند است. در عین حال، امریکا و کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس نیز بنا بر آنچه اعلام شده، در جریان اهمیت دارد، خروج نیروهای اسراییلی از جنوب لبنان و پایان دادن به محاصره دریایی ایران عنوان شده است. بنابراین نمی‌توان تنها با تمرکز بر یک بند یا یک مسیر دریایی، درباره اجرای کامل تفاهم سخن گفت. هر توافقی زمانی پایدار خواهد بود که

البته هر تحریم تازه می‌تواند هزینه‌هایی ایجاد کند و نباید آثار آن را نادیده گرفت، اما این ادعا که با هر بسته تحریمی جدید می‌توان به هدف‌های حداکثری رسید، با واقعیت‌های پیچیده منطقه‌ای و اقتصادی سازگار نیست. در این میان، موضع چنین تهدیدهایی که از نظر من، بیش از آنکه هدف گرفتن شرکت‌های چینی به دلیل روابط تجاری با ایران، از منافع خود دفاع خواهد کرد. این موضع نشان می‌دهد اعمال تحریم‌های ثانویه علیه طرف‌های تجاری ایران، فقط مساله‌ای میان تهران و واشنگتن نیست و می‌تواند به تنش‌های بزرگ‌تر در سطح اقتصاد جهانی منجر شود. همچنین، ایران با شمار قابل توجهی از همسایگان خود روابط تجاری دارد و این پیوندها به سادگی قابل حذف نیستند.

روایت یک دهه فرسایش دستمزد کارگران

۱۰ سال سقوط قدرت خرید پایه مزد از ۲۳۲ دلار به ۵۸۳ دلار رسید

صفحه ۸

خودرو برای همه وارد می‌شود یا فقط عده‌ای؟

سهمیه

واردات برای خارج‌نشین‌ها!

تعالیل فرشته‌فریادرس |سیاست‌وردارت خودرو در حالی وارد مرحله تازه‌ای شده که میان آنچه روی کاغذ وعده داده می‌شود و آنچه واقعاً به بازار می‌رسد، فاصله‌ای جدی وجود دارد؛ از یک سو مسیر واردات لندکروز و لکسوس‌های لوکس با ارز شخصی برای ایرانیان مقیم خارج باز شده، اما ایرانیان داخل کشور حتی با منابع ارزی شخصی امکان استفاده از ارز مسپر را ندارند و از سوی دیگر، وزارت صمت از ورود ۲۰ تا ۲۵ هزار خودروی کارکرده سخنی می‌گوید؛ ارقلمی که در برابر تقاضای حدود ۱۵ میلیون دستگاهی بازار چندان بزرگ نیست، حالا پرسش اصلی این است که سیاست واردات خودرو قرار است واقعاً بازار را رقابتی و متعادل کند یا صرفاً مسیرهای جدیدی برای ورود خودرو به کشور ایجاد کرده است؟ یکی از بحث‌برانگیزترین بخش این سیاست جدید واردات خودرو، فراهم شدن امکان واردات برخی خودروهای لوکس برای ایرانیان مقیم خارج از کشور است؛ مسیری که در حال حاضر برای ایرانیان داخل کشور حتی در صورت برخورداری از منبع ارزی شخصی در دسترس نیست. بر اساس ابلاغ مدیرکل دفتر واردات گمرک در تاریخ ۳۱ مردادماه و در ادامه نامه معاونت صنایع ماشین‌آلات و تجهیزات وزارت صمت، واردات برخی مدل‌های خاص از جمله تویوتا لندکروز و هیبرید، لکسوس L۵۶۰۰ و لکسوس L۵۷۰۰ می‌هیبرید و بنزینی، تنها از طریق ایرانیان مقیم خارج از کشور و در چارچوب تبصره یک ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی قانون بودجه سال ۱۴۰۴ مجاز خواهد بود. مطابق مصوبه هیات وزیران، واردات این خودروها با حجم موتور بالای ۲۵۰ سی‌سی تا پایان سال ۱۴۰۵ امکان‌پذیر است و حقوق ورودی آنها نیز بسته به حجم موتور بین ۱۴۵ تا ۱۶۵ درصد تعیین شده است. متقاضیان باید اقامت معتبر خارج از کشور داشته باشند؛ از مورد نیاز را از منابع شخصی خود تأمین کنند و هر فرد نیز تنها مجاز به واردات یک دستگاه خودرو خواهد بود. نکته قابل توجه در این شیوه واردات، تأمین ارز خودرو از منابع شخصی متقاضی است. **صفحه ۷ | بخوانید**

یادداشت - ۲

صبر یا تعقیب قیمت؟

در بررسی حاضر، نگاهی به یک فرآیند ورود به بازارها خواهیم داشت؛ فرآیندی که شاید بتوان آن را یکی از ساده‌ترین، قابل درک‌ترین و در عین حال کار بردی‌ترین روش‌ها برای ورود به بازارهایی دانست که قصد داریم نقدینگی خود را



علی فراقی

وارد آنها کنیم. هدف اصلی از چنین رویکردی، تلاش برای کاهش احتمال شناسایی زیان و در مقابل، افزایش احتمال کسب بازدهی مناسب از سرمایه است. شاید در نگاه نخست، این موضوع بسیار ساده به نظر برسد؛ اما تجربه بازارهای مالی نشان داده است که نحوه ورود به یک بازار، گاهی به اندازه انتخاب خود بازار اهمیت دارد. حتی در شرایطی که یک دارایی از لحاظ بنیادی یا تکنیکال گزینه مناسبی برای سرمایه‌گذاری باشد، ورود در قیمت نامناسب و تحت تأثیر هیجانات می‌تواند نتیجه یک سرمایه‌گذاری صریح را نیز تغییر دهد. اولین موردی که می‌توان به آن توصیه کرد، صبر است. شاید صبر یکی از کلیشه‌ای‌ترین عبارتی باشد که در بازارهای مالی بارها و بارها شنیده‌ایم، اما واقعیت این است که صبر کردن در نواحی حساس بازار یا تلاش برای دیدن بهترین زمان برای معامله، و سرمایه‌گذار باشد، صبر به معنای کنار کشیدن همیشه‌گی از بازار یا دست‌دادن فرصت هاست، بلکه به این معناست که برای ورود، شرایط مناسب‌تری را نسبت به شرایط فعلی پیدا کنید. برای درک بهتر این موضوع، بهترین معامله، معامله‌ای است که نتایج آن می‌همیم، چرا که منتظر ماندن برای شکل‌گیری یک موقعیت مناسب می‌تواند نسبت به یک سرمایه‌گذاری فوری، مزایای قابل توجهی به همراه دهد. برای درک بهتر این موضوع، می‌توان بازارهای اروپای اقتصاد کشور در هفته جاری را مثال زد. در این مدت، خصوصاً در بازار ارز و طلا، شاهد یک جنبش اساسی و ناگهانی بودیم که باعث شد قیمت طلا مجدداً به اعداد بالا، از ۲۰ میلیون تومان و قیمت دلار نیز به محدوده بالاتر از ۲۰۰ هزار تومان برسد. فارغ از بررسی عوامل بنیادی و خبری موثر بر این حرکت، اگر در چنین شرایطی نگاه دقیق‌تری به رفتار تکنیکال قیمت، حجم معاملات و جریان نقدینگی داشته باشیم، می‌توان اقدام به سرمایه‌گذاری فوری کرد. اما می‌تواند یک هشدار مهم برای سرمایه‌گذار باشد؛ به خصوص زمانی که قیمت پس از یک حرکت سریع و هیجانی وارد محدوده‌هایی می‌شود که از لحاظ تکنیکال باز ارزش کمی دارد. نکته مهم اینجاست که حتی پس از انتشار اخبار منفی و ایجاد هیجانات جدید در بازار، می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که بخشی از اثر خبر، پیش از انتشار رسمی آن در قیمت‌ها منعکس شده باشد؛ موضوعی که در ادبیات بازار از آن با مفهوم «پیش‌خور شدن خبر» یاد می‌شود. بنابراین در چنین شرایطی یک سرمایه‌گذار منطقی الزاماً به دنبال خرید در اولین نقطه و بیشترین حجم ممکن نیست، برعکس می‌تواند منتظر بماند تا بازار با یک اصلاح قیمتی مناسب ایجاد کند یا در صورت ادامه روند صعودی، پس از شکل‌گیری کف‌های بالاتر، تثبیت قیمت و تأیید ادامه روند، در قیمت‌های بالاتر اما با ریسک کمتر اقدام به ورود کند...